



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۸/آبان/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۱۰ صفر ۱۴۳۹

تنبیه سوم: عبادیت طهارات ثلاث - راه حل پنجم

(محقق خراسانی) و بررسی آن - راه حل ششم (محقق عراقی)

جلسه: ۱۷

سال نهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

راه حل پنجم

راه حل پنجم در برابر مشکل عبادیت طهارات ثلاث، راهی است که محقق خراسانی آن را نقل کرده و نسبت به آن اشکال نموده. ایشان می فرماید: برای حل مشکل می توانیم ملتزم به دو امر شویم. تمام اشکالات در صورتی ناشی می شود که با یک امر بخواهیم مشکل دور و سایر مشکلات را حل کنیم^۱. اگر بخواهیم با خود همان امر غیره عبادیت درست کنیم همان اشکال دور، مسئله ثواب، مقربیت، توصلی بودن امر غیره در برابر طهارات ثلاث ظاهر می شود. اما اگر ملتزم به دو امر شویم مشکل کاملاً بر طرف می شود. آن دو امر عبارت است از این که:

یک امر به ذات العمل متعلق می شود. امر متعلق می شود به وضو، به ذات عمل مع قطع النظر عن قصد القربة. وضو تشکیل شده از غسلات و مسحات؛ در کنار این افعال قصد قربت نیز وجود دارد. قصد قربت را کنار می گذاریم و می گوئیم: یک امر متعلق می شود به ذات این عمل یعنی شستن و مسح ها که در این امر خبری از قصد قربت و عبادیت نیست. مثل امر به تطهیر لباس که در آن جا وقتی شارع دستور می دهد که لباس خود را برای نماز بشوئید و امر «طهر ثوبک لصلوة» را بیان می کند، امر متعلق می شود به ذات عمل که آن عمل قصد قربت نیاز ندارد. در مورد وضو نیز یک امر متعلق می شود به ذات عمل مثل طهارت ثوب و اساساً قصد قربت مورد توجه و نظر نیست. بعد امر دوم می آید و می گوید: آن عملی که در امر اول مامور به واقع شد را به قصد قربت بیاورید. کانه این چنین گفته شده «توضاء للصلوة» (این امر به وضو) منتهی بدون آن که قصد قربت در آن لحاظ شود. یعنی ذات العمل مامور به شده و شارع با امر دومی که می آورد می گوید: وضویی که من به تو امر کردم قبل از نماز اتیان کنید باید با قصد قربت و به قصد امر اول اتیان کنید. پس با این روش عبادیت طهارات ثلاث مثل وضو درست می شود. عبادیت در واقع با امر دوم درست می شود.

بزنگاه حل مشکل طبق این راه حل این است که می خواهد عبادیت طهارات ثلاث را با امر دوم حل کند. یعنی می گوید اگر بخواهیم عبادیت را با همان امر اول حل کنیم آن مشکلات قبلی پیش می آید ولی اگر عبادیت را با امر دوم با بیانی که گفته شد

^۱ کفایه (ط آل البیت)، ص ۱۱۲

درست کنیم، دیگر آن مشکلات بوجود نمی آید. لذا این راه حل در واقع عبادیت طهارات ثلاث نه از راه امر غیری و نه از راه امر نفسی استجابی و نه از باب رجحان نفسی خود عمل بلکه از راه امر دوم به اخذ قصد قربت در عملی که با امر اول مامور به واقع شده حل می کند. علت این که این کار را می کند این است که ذات عمل بدون قصد امر و قصد قربت که عبادت نیست. وضویی که صرف شستن و مسح کشیدن باشد و قصد قربت نداشته باشد عبادت نیست. قصد قربت را نیز نمی توانیم در همان امر اول و در متعلق امر اول اخذ کنیم. پس باید عبادیت یعنی قصد امر و قصد قربت را با امر دوم مطرح کنیم و بوسیله امر دوم بگوییم این باید در کنار آن عمل و کنار آن غسلات و مسحات قرار بگیرد تا بتواند عبادتی باشد که مقدمه نماز قرار گیرد.

بررسی راه حل پنجم

خود ایشان به این راه حل دو اشکال کرده است:

اشکال اول

اساسا ذات العمل با قطع نظر از قصد قربت و با قطع نظر از عبادیتش مقدمیت ندارد. آن چه که مقدمیت دارد عمل عبادی است. آن چه که مقدمیت برای نماز دارد وضوی عبادی است. تا وضو عبادیتش ثابت نشود، اصلا تعلق امر غیری به آن ممتنع است؛ امر غیری که بخواهد مترشح از یک امر نفسی باشد. اگر ذات العمل با قطع نظر از قصد قربت و قصد امر بخواهد مامور به باشد به امر غیری، شدنی نیست. یعنی نمی تواند شارع بگوید «توضا للصلوة» و مقصودش از آن امر، ذات العمل وضویی باشد که با این امر مامور به واقع شده است. امر غیری فقط به وضویی متعلق می شود که عبادی باشد، وضو یعنی غسلات و مسحات به ضمیمه قصد قربت. شما اگر قصد قربت را بگیرید، ذات العمل را بخواهید مامور به قرار دهید، اصلا نمی تواند امر غیری متوجه آن شود و عبادیت آن باید قبلش محرز شود تا آن عمل علی وجه العباده مقدمه شود برای نماز. در حالی که با این راه حل شما امر غیری به چه چیزی متعلق می شود؟ امر اول که یک امر غیری است متعلق به چه می شود؟ ذات العمل من دون قصد قربت. راه حل ایشان بر این اساس بود که ما با امر اول ذات عمل را بدون قصد قربت مامور به قرار دهیم و با امر دوم بیائیم و ضمیمه قصد قربت را درست کنیم. در حالی که تمام اشکال در امر اول است. امر اول یک امر غیری است و امر غیری باید به عملی متوجه شود که عبادت است. به وضویی بخورد که آن وضو عبادت باشد زیرا وضوی عبادی مقدمه نماز است در حالی که شما می گوید امر اول متعلق می شود به ذات عمل یعنی مسحات و غسلات من دون قصد قربت. پس امر غیری یعنی «توضا للصلوة» باید به این عبادت بخورد و اگر عبادیت آن درست نشود و قصد قربت نباشد و مقصود ذات عمل باشد اصلا امر غیری نمی تواند متعلق به آن شود. زیرا امر غیری یعنی امری که چیزی را مقدمه چیز دیگر قرار دهد، امری که می خواهد وضو را مقدمه نماز قرار بدهد تنها به وضویی که صلاحیت دارد مقدمه نماز باشد می تواند متعلق شود. ذات العمل بدون قصد قربت و من دون وجه العبادیه اساسا صلاحیت ندارد امر غیری به آن تعلق بگیرید و آن را مقدمه قرار دهد.

اشکال دوم

اساسا نه تنها اخذ قصد امر در متعلق امر در جایی که یک امر باشد ممتنع است بلکه حتی با التزام به دو امر نیز نمی توانیم این مشکل را حل کنیم. (بحثی است در مورد امکان اخذ قربت در متعلق امر که یک بحث مفصلی است. مشهور معتقدند قصد قربت در متعلق امر قابل اخذ نیست. می گویند اخذ قصد امتثال امر در متعلق همین امر ممتنع است. یعنی شارع نمی تواند بگوید: ایها الناس من به شما امر می کنم نماز بخوانید و نمازتان را به قصد امر من بیاورید زیرا دچار آن محاذیر معروف می شود. البته ما به تبع امام

خمینی معتقدیم اخذ قصد قربت در متعلق امر ممتنع نیست خلافاً للمشهور). علاوه بر این محقق خراسانی در مقابل کسانی که از راه دو امر می خواهند اخذ قصد قربت را در متعلق امر حل کنند؛ می فرماید: این نیز صحیح نیست یعنی همان طوری که اخذ قصد قربت در متعلق همان امر اول ممتنع است، اگر بخواهیم این را از طریق امر دوم نیز حل کنیم این هم محذور دارد. که باید در جای خودش بحث شود که چرا از طریق دو امر نیز نمی شود این را حل کرد. لذا اشکال دوم محقق خراسانی این است که اساساً حل مشکل قصد قربت از طریق دو امر خالی از محذور نیست.

البته این یک اشکال مبنایی است و باید درجای خودش بحث شود.

قدر متیقن این است که اشکال اول ایشان اشکال مهمی است. برخی تلاش کردند که این اشکال را پاسخ دهند لکن به جهت پرهیز از تطویل بحث از ذکر آن ها خود داری می کنیم و شما می توانید به کتاب های مربوطه مراجعه کنید.

تا کنون پنج راه حل بیان شد که دو راه حل مربوط به شیخ انصاری بود و سه راه حل مربوط به محقق خراسانی که البته یکی از آنها را به شیخ انصاری نسبت داده بودند که بعد از بررسی مشخص شد که راه حل شیخ انصاری نیست. ملاحظه فرمودید که اجمالاً این راه حل ها خالی از اشکال نبود. بعضی از نظر مقام ثبوت قابل قبول است ولی دلیلی بر آن نبود و اثباتاً مشکل داشتند لذا سراغ راه حل های دیگر می رویم.

راه حل ششم (محقق عراقی)

ایشان می فرماید: اگر بخواهیم از همان راهی که محقق خراسانی و دیگران فرمودند مشکل عبادیت را حل کنیم دچار مشکل دور می شویم ولی می توان با همان امر غیر متعلق به وضو که با آن برای نماز مقدمیت درست می شود، عبادیت را نیز درست کرد. این درحالی است که تا به حال اصرار همه این بود که اگر بخواهد عبادیت از طریق همان امر غیر درست شود مشکل بزرگ دور پیش می آید. یعنی با همان امر غیر که می گوید توجهاً للصلوة عبادیت وضو نیز درست می شود. اما چگونه؟

به طور کلی اگر امر متعلق شود به چیزی که ذات الاجزاء است و یک مجموعه مرکب از اجزاء است؛ این امر با این که به حسب صورت یک امر است ولی گویا تبدیل می شود به اوامر متعدد نسبت به اجزاء و به حسب واقع چند امر می شود. مثلاً در اوامر نفسی مثل نماز، که عملی است که اجزاء ده گانه دارد. امر متعلق می شود به نماز و نماز یک واجب نفسی است و امر متعلق به آن نیز یک امر نفسی است. «صل» یک امر است ولی چون نماز یک مرکب ذات الاجزاء است، کانه ما اوامر متعدد داریم. «صل» در دل خودش ارکع، اسجد، دستور به تحمید، تحلیل، تشهد و قیام را دارد. پس «صل» صورتش یک امر است ولی چون آن مامور به مرکب ذات الاجزاء است کانه این امر به عدد اجزاء مبدل می شود به اوامر متعدد. امر به رکوع و سجود و تشهد می شود و یکی از این اجزاء قصد قربت است. یعنی وقتی در مورد نماز امر می شود به رکوع و سجود و تشهد تا سلام، در کنار این ها نیز امری است به قصد قربت کانه می گوید همه آن اجزایی که من دستور دادم باید به قصد امرشان خوانده شود و جزئی از این امر کلی است. به تعبیر محقق عراقی امر تبعض پیدا می کند و هر بعض آن به یکی از اجزاء مرکب تعلق می گیرد که یکی از اجزاء این مرکب قصد قربت است که کانه بعضی از این امر به خود قصد قربت تعلق می گیرد. معنای تعلق بعض امر به قصد قربت به عنوان یکی از اجزاء نماز این است که هر یک از اجزاء نماز مثل تشهد و رکوع باید به داعی امر متعلق به آن انجام شود. یعنی گویا این امر ده تکه می شود که یک تکه آن امر به سجده است و یکی از ابعاض این امر قصد قربت است. لذا معنایش این است که ای مصلی تو که می خواهی سجده را به عنوان یک جزئی از اجزاء نماز بیاوری آن را به قصد امر خودش بیاور. اگر سجده می کنی به

خاطر این بیاور که خدا به تو دستور داده که سجده کنی. داعی به سجده امر خدا به سجده است. ولی امر خدا به سجده مستقل نیست بلکه در دل آن امر به نماز است که بعض بعض شده و شامل تک تک اجزاء شده. پس امر به قصد قربت یعنی امر به اتیان به اجزاء مرکب به داعی و به قصد امر به آن جزء. یعنی هر جزیی که مکلف می خواهد بیاورد باید به قصد امر خودش بیاورد. امر به جزء نیز مستقلاً نیامده بلکه در واقع امری است که از امر به کل آمده است.

اما در مورد اوامر غیریه: وقتی خداوند می فرماید: «توضاً للصلوه» این یک امر غیری است زیرا وضو را برای نماز واجب می کند. وضو ذات الاجزاء است، یعنی یک وضو دارای چند جزء می باشد، سه غسل دارد و دو مسح و یک قصد قربت. وقتی امر غیری به نماز می شود این امر غیری پنج قسمت می شود و بر اجزاء وضو پخش می شود کانه باتوضاً للصلوه شارع فرموده: «غسل وجهک للصلوه غسل یدیک للصلوه و امسح راسک للصلوه و امسح رجلیک للصلوه» و این که این اعمال را با قصد قربت بجا بیاورید. معنای امر به قصد قربت که یک تکه از آن پنج تکه امر است این است که آن اجزاء چهار گانه وضو را که می خواهی اتیان کنی هر یک از آن ها را به داعی و قصد خودشان اتیان کن. یعنی قصد مکلف این باشد که من صورتم را می شویم چون خدا امر کرده به شستن صورت، من دست هایم را می شویم چون خدا امر کرده به شستن دست، همچنین خدا امر کرده به شستن مسح سر و پا. پس قصد قربت این جا که امر به آن شده این است که هر یک از این اجزاء به قصد امر خودش انجام شود، یعنی ریا در کار نباشد، ترس در کار نباشد و محرک انسان برای انجام این اجزاء همان امر تکه تکه شده ای است که در واقع از آن امر متعلق به اجزاء به دست آمده. لذا اگر ما در تک تک اجزاء این قصد را داشته باشیم عبادیت وضو ثابت می شود. این عبادیت وضو نیز از همین راه امر غیری متعلق به وضو به دست می آید، به این صورت که امر غیری متوجه به این وضو که مقدمیت آن را برای نماز درست می کند با خود این امر غیری عبادیت آن نیز درست می شود. به این بیان:

متعلق امر غیری مرکب ذات الاجزاء است و این امر تکه تکه می شود و در مورد سایر اجزاء دستور دارد و یک امر نیز به قصد قربت متوجه شده است و آن باعث می شود که ما تک تک اجزایی که امر دارند را به قصد امر خودشان بیاوریم. کانه این بعض از امر به ما می گوید: غسل یدین را به قصد امر به غسل ید و مسح را به قصد امر به مسح امتثال کن. پس قصد قربت در همه اجزاء وضو درست شد، آن هم از راه امر غیری.^۱

«الحمد لله رب العالمین»

^۱ نهاییه الافکار، ج ۱، ص ۳۲۷ الی ۳۲۹